

Submit Date: 22 December 2025

Revise Date: 02 May 2026

Accept Date: 09 May 2026

Initial Publish: 02 June 2026

Final Publish: 23 August 2027

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## A Comparative Study of the Duty to Prevent Loss to the Counterparty in Contract Law

Reza Hossein Gandomkar<sup>1</sup>, Azizallah Fahimi<sup>2</sup>, Seyed Esmail SeyedSajadi\*<sup>3</sup>

1. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

3. PhD Student in Private Law, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

\* Corresponding Author's Email: esmail.sajadi85@gmail.com

### ABSTRACT

The duty to prevent loss to the counterparty constitutes one of the most significant manifestations of transformation in contract law, grounded in principles such as “equity,” “good faith,” and “economic efficiency.” This duty obliges the injured party to adopt reasonable measures to prevent harm to the counterparty and entails several legal consequences, the most important of which are deprivation of the right to claim avoidable damages, non-enforcement of the contract, and substitute performance. The present study employs a descriptive–analytical method with a comparative approach between the United States legal system, Imami jurisprudence, and Iranian law in order to examine the foundations and effects of this duty in American law, as well as the feasibility and challenges of its recognition in Iranian law. In American law, particularly within the field of contract law, this duty has been accepted and performs an effective role in limiting contractual liability and enhancing economic efficiency. In Imami jurisprudence, doctrines such as the “no harm” principle, the “assumption of risk” rule, and “good faith” may provide theoretical support for the acceptance of this duty. In Iranian positive law, this duty may be implicitly inferred from provisions such as Article 4 of the Civil Liability Act and Article 15 of the Insurance Act. The principal challenge, however, lies in the requirement of specific performance under Article 237 of the Iranian Civil Code.

**Keywords:** *Duty to Prevent Loss to the Counterparty, Duty to Rescue, Contract Law, United States Law, Comparative Law*

تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴  
 تاریخ بازنگری: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵  
 تاریخ پذیرش: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ اولیه: ۱۲ خرداد ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

### بررسی تطبیقی تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها

رضاحسین گندمکار<sup>۱</sup>، عزیزاله فهیمی<sup>۲</sup>، سید اسماعیل سیدسجادی<sup>۳\*</sup>

۱. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
  ۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
  ۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
- \* پست الکترونیک نویسنده مسئول: [esmail.sajadi85@gmail.com](mailto:esmail.sajadi85@gmail.com)

### چکیده

تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تحول در حقوق قراردادهاست که بر مبنای اصولی چون «انصاف»، «حسن نیت» و «کارایی اقتصادی» شکل گرفته است. این تکلیف، طرف زیان‌دیده را ملزم می‌کند تا با اتخاذ اقدامات معقول، از ورود خسارت به طرف مقابل پیشگیری کند و دارای آثار متعددی می‌باشد که مهمترین آنها، محرومیت از حق مطالبه زیان‌های قابل پیشگیری، عدم پابندی به قرارداد و اجرای جایگزین است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی میان نظام حقوقی آمریکا و فقه امامیه و حقوق ایران، به بررسی مبانی و آثار این تکلیف در حقوق آمریکا و امکان سنجی و چالش‌های پیش‌روی آن در حقوق ایران می‌پردازد. در حقوق آمریکا، این تکلیف به‌ویژه در حوزه قراردادها، پذیرفته شده و کارکردی مؤثر در تحدید مسئولیت قراردادی و افزایش کارایی اقتصادی دارد. در فقه امامیه، قواعدی چون «لاضرر»، «اقدام» و «حسن نیت» می‌تواند پشتوانه پذیرش این تکلیف باشند. در حقوق موضوعه ایران از مقرراتی همچون ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۵ قانون بیمه، به طور ضمنی میتوان این تکلیف را استنباط کرد و چالش عمده در لزوم اجرای عین تعهد در ماده ۲۳۷ قانون مدنی است.

**کلیدواژگان:** تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل، تعهد به نجات، حقوق قراردادها، حقوق آمریکا، حقوق تطبیقی

نحوه استناددهی: گندمکار، رضاحسین، فهیمی، عزیزاله، و سیدسجادی، سید اسماعیل. (۱۴۰۶). بررسی تطبیقی تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*. ۵(۳)، ۱-۱۹.



## مقدمه

در نظام‌های حقوقی معاصر، نگرش جدیدی به مسئولیت قراردادی پدید آمده است که به جای تمرکز صرف بر جبران خسارت، بر پیشگیری از ورود آن تأکید دارد. «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها» مهم‌ترین نمود این تحول به شمار می‌آید. بر اساس آن، اگر در یک زمینه قراردادی، یکی از طرفین در معرض خطر قابل توجهی باشد و دیگری بتواند با اقدامی که نیاز به چشم‌پوشی از نفعی ندارد یا بدون ریسک قابل توجه یا متحمل شدن هزینه قابل توجه، از این ضرر پیشگیری کند، تکلیف پیشگیری از آن را دارد. این قاعده در حقوق آمریکا جایگاه استواری یافته و از مفاهیمی همچون قرارداد اجتماعی، حسن نیت، انصاف و کارآمدی اقتصادی سرچشمه می‌گیرد. در مقابل، در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه، با وجود مبانی نظری مشابه، این تکلیف به صورت صریح و منسجم در قالب یک قاعده الزام‌آور تبیین نشده است.

در روابط پیچیده و گسترده اقتصادی امروز، بی‌توجهی به «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل»، منجر به تحمیل زیان‌های ناعادلانه بر یکی از طرفین قرارداد و هدر رفتن منابع اقتصادی می‌شود. به‌ویژه با توجه به گسترش قراردادهای تجاری و بین‌المللی و ضرورت هماهنگی نظام حقوقی ایران با قواعد مدرن مسئولیت قراردادی، بررسی مبانی و آثار این تکلیف و امکان‌سنجی آن در فقه و حقوق ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. از سوی دیگر، تبیین این تکلیف می‌تواند ضمن تقویت اصول انصاف و حسن نیت در روابط قراردادی، در جهت تحقق عدالت قراردادی و کارآمدی اقتصادی نقش مؤثری ایفا کند.

ریشه‌ی این تکلیف را می‌توان در «قانون سامری نیکو» و «تعهد به نجات» یافت. بیشتر تحقیقات داخلی به بررسی قواعد فقهی مرتبط چون «لاضرر»، «اقدام» و «کاهش خسارت» پرداخته‌اند، اما مطالعه‌ای که پیوند این مبانی را با آثار عملی و اقتصادی تکلیف

پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها در حقوق آمریکا را نشان دهد، صورت نگرفته است.

بنابراین مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که این تکلیف در نظام حقوقی آمریکا چیست و چه مبانی و آثاری دارد؟ آیا می‌توان در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، این تکلیف را به عنوان یک قاعده‌ی الزام‌آور شناسایی نمود؟ و چالش‌های پیش‌روی آن چیست؟

فرضیه تحقیق بر این پایه استوار است که در حقوق آمریکا، با وجود حاکمیت اصل «عدم تعهد به نجات»، استثنائات گسترده‌ای پذیرفته شده است و تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها به عنوان قاعده‌ای کارآمد به رسمیت شناخته شده و آثار مهمی در تحدید دامنه مسئولیت، تضمین اجرای قرارداد و ارتقای کارایی اقتصادی به دنبال دارد. در مقابل، این تکلیف در فقه امامیه و حقوق ایران به‌طور صریح و نظام‌مند تبیین نشده، اما قواعدی مانند «لاضرر»، «اقدام» و «حسن نیت» ظرفیت‌هایی در جهت پذیرش این تکلیف دارند. از سوی دیگر، در حقوق ایران، مقرراتی همچون ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، اصل ۴۰ قانون اساسی، ماده ۲۲۰ قانون مدنی و ماده ۱۵ قانون بیمه، نشان‌دهنده‌ی پذیرش ضمنی چنین تکلیفی هستند.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر، تاکنون پژوهشی که به طور خاص به «بررسی تطبیقی تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها در حقوق آمریکا» پردازد، صورت نگرفته است. در منابع متعدد، از جمله (Sadat Akhavi & Kashani, 2001)؛ (Mohaghegh Damad & Jafari, 2010)؛ (Khosroabadi, 2010)؛ (Foroushani & Abdolsaleh, 2016)، به قاعده «تقلیل خسارت» پرداخته شده که مربوط به اقدامات پس از نقض قرارداد یا ایجاد خسارت است و به عنوان یکی از مصادیق تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل مطرح می‌شود؛ در حالی که این تکلیف موارد بسیار متعددی را شامل

«افشا کردن» و «کاهش خسارات» است؛ بنابراین، پیشگیری ناظر به اعطای منفعت قابل توجه به دیگری در برابر خطر یا زیان احتمالی است (Ray, 2020).

بدین ترتیب، پیشگیری هر اقدامی است که با هدف محافظت از دیگری و رهایی او از موقعیت خطرآفرین و زیان‌بار انجام می‌شود، مشروط بر اینکه هزینه آن در مقایسه با خسارت احتمالی عدم اقدام، کمتر باشد؛ در غیر این صورت الزام حقوقی وجود ندارد (Eisenberg, 2002).

«تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» در حقوق قراردادهای به این معناست که اگر دو طرف، قراردادی منعقد کرده باشند، یا در آستانه ایجاد رابطه قراردادی باشند و یکی از آنها در معرض خطر متحمل شدن خسارتی غیرمنتظره و غیرقابل مذاکره‌ای قرار گیرد که طرف دیگر می‌تواند بدون از دست دادن منفعت قراردادی، پذیرش ریسک سنگین یا تحمیل هزینه غیرمعقول از آن جلوگیری کند، وظیفه اخلاقی و قانونی دارد اقدام لازم را انجام دهد. این تکلیف هرچند به صراحت تحت این عنوان شناسایی نشده، اما در قالب اصول و قواعد خاصی در حقوق قراردادهای نمود پیدا کرده است (Eisenberg, 2002). این مفهوم در حوزه‌های «حقوق کیفری» و «مسئولیت مدنی» تحت عنوان «تعهد به نجات» شناخته می‌شود.

#### پیشینه تاریخی و سیر تحولات

برای درک بهتر مفهوم «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل»، باید به ریشه‌های تاریخی آن و «قانون سامری نیکو» (*The Good Samaritan Law*) اشاره کرد. یکی از قوانین ایمنی اصلی در غواصی این است که هرگز به تنهایی غواصی نکنید! هر یک از ما به کمک و مراقبتی که توسط شریک زندگی مان در صورت مواجه شدن با یک موقعیت خطرناک ارائه می‌شود امیدواریم. من این کار را برای او انجام خواهم داد و مطمئن هستم که او نیز این کار را برای من انجام خواهد داد؛ در غیر این صورت، شما نباید شیرجه

می‌شود که مورد بحث قرار نگرفته است. در مقاله (Eisenberg, 2002)، به شرایط اعمال و پذیرش تعهد به نجات دیگری از موقعیت زیان‌بار و تفاوت آن با نهادهای مشابه و ایرادات وارده به آن و زمینه‌های اجرای آن در حقوق قراردادهای پرداخته شده است. در حالی که در پژوهش حاضر، مبانی پیدایش تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل و آثار اجرای آن در حقوق قراردادهای امکان‌سنجی آن در نظام حقوقی ایران بررسی شده است.

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و با تکیه بر منابع حقوق آمریکا و منابع فقهی، قوانین و حقوق موضوعه ایران تنظیم گردیده است. ابتدا مفهوم و سیر تحولات و مبانی تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق آمریکا بیان می‌شود تا چارچوب‌های نظری و عملی این قاعده روشن گردد. سپس آثار و ضمانت‌اجراهای این تکلیف مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت بیان می‌شود اصول و مبانی فقه امامیه چگونه می‌توانند مبانی پذیرش این قاعده باشند و ارتباط و انطباق این قاعده با مقررات حقوق موضوعه ایران چگونه است و در پایان، با تکیه بر تجربه نظام حقوقی آمریکا، چالش‌های تحقق آن در نظام حقوقی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

#### ۱. تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادهای آمریکا

در این قسمت، به منظور شناخت موضوع، ابتدا تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادهای تعریف و سپس پیشینه تاریخی، تحولات و مبانی آن در حقوق آمریکا بررسی می‌شود تا جایگاه این تکلیف روشن گردد.

#### تعریف

پیشگیری در این اصطلاح به معنای «رهایی» کسی یا چیزی از وضعیت «خطرناک»، «مضر» یا «دشوار» است و معمولاً در پاسخ به تهدید یا آسیب صورت می‌گیرد. اقدامات متداول پیشگیرانه شامل «کاهش رنج»، «جلوگیری از زیان عمده به دیگری»، «هشدار دادن»،

بحث برانگیز محسوب می‌شود. بر اساس دیدگاه غالب، نباید هر عمل غیراخلاقی را الزاماً واجد ضمانت اجرای حقوقی دانست، بلکه مسئولیت حقوقی تنها در صورت «تقصیر» (*Negligence*) ایجاد می‌شود (Kelley, 1999). بر این مبنا، کسی ملزم به نجات دیگری نیست (Hayden, 2000; Ripstein, 2000)؛ قاعده‌ای که تحت عنوان «عدم تعهد به نجات» (*No Duty to Rescue*) در ۴۷ ایالت آمریکا اجرا می‌شود (Hyman, 2005). اگرچه جامعه، رسانه‌ها و اندیشمندان این بی‌تفاوتی را نکوهش می‌کنند (Hyman, 2005)، ولی قانون کیفری توان الزام به نجات را ندارد. به تدریج انتقادات به این قاعده افزایش یافته و پرونده‌هایی مانند ماجرای معروف «کیتی جنوز» (*Kitty Genovese*) زمینه‌ساز بحث‌های نظری و اخلاقی درباره «عدم وظیفه برای نجات» شدند. منتقدان از حوزه‌های مختلف، از جامعه‌گرایان و فمینیست‌ها گرفته تا نظریه‌پردازان عدالت ترمیمی و اقتصاددانان حقوقی، این قاعده را از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و کارآمدی اقتصادی زیر سؤال بردند (Hyman, 2005). با این حال، رویکرد فردگرایانه‌ی لیبرالی همچنان بر حفظ آزادی شخصی تأکید دارد و حقوق آمریکا عموماً مسئولیتی برای این ترک فعل به رسمیت نمی‌شناسد (Kelley, 1999). مطابق ماده ۳۱۴ بیانیه دوم مسئولیت مدنی آمریکا، صرف آگاهی از ضرورت کمک به دیگری برای ایجاد تکلیف کافی نیست. تمایز میان «اقدام نادرست» (*Misfeasance*) و «خودداری از اقدام نادرست» (*Nonfeasance*) اساس قاعده‌ی «عدم وظیفه برای نجات» است. اگر اقدام نادرست شخصی باعث ایجاد آسیب یا تشدید آن شود، آن فرد مسئول شناخته می‌شود؛ اما اگر صرفاً به دلیل خودداری از اقدام، آسیب بزرگ‌تری رخ دهد، معمولاً مسئولیتی متوجه او نیست (Bohlen, 1908). با اینکه دادگاه‌های ایالات متحده به‌طور کلی بر این اصل پایبند هستند که کسی موظف به

بزنید! این مفهوم معمولاً به عنوان «قانون خوب سامری» یا «قانون سامری نیکو» شناخته می‌شود (Jaek et al., 2018). برای درک معنای دقیق آن، باید به طور خلاصه نگاهی داشته باشیم به آنچه که در انجیل لوقا، فصل ۱۰، آیات ۲۵ تا ۳۷ آمده است: «هر آنچه تمایل دارید دیگران برای شما انجام دهند، شما نیز برای آنان انجام دهید؛ زیرا این یک قانون و دستور انبیاست» (Jaek et al., 2018). از این رو، قوانین سامری نیکو اشخاص را مکلف می‌کنند در صورت نبود خطر جدی برای خود، به کمک دیگری بشتابند که در معرض آسیب شدید است (Garner, 1996). پرسش اساسی در حقوق این است که آیا در نظام حقوق جزا یا حقوق خصوصی، تکلیفی برای یاری به افراد در تنگنا وجود دارد؟ (Smits, 2000) در حوزه‌ی حقوق قراردادها، ما این وظیفه را به‌صورت «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» مطرح می‌کنیم که ریشه در همین قانون سامری نیکو دارد. حقوق آمریکا به‌عنوان نمونه‌ای نظام‌مند از حقوق کامل‌لا، نشان می‌دهد که هیچ «وظیفه عمومی برای نجات» (*General Duty to Rescue*) وجود ندارد، حتی اگر اقدام نجات ساده باشد و خودداری از آن موجب مرگ دیگری شود (Dressler, 1995; Keeton, 1984). مفهوم نجات در شاخه‌های حقوقی مختلفی مانند مسئولیت مدنی، قراردادها، حقوق جزا، مهاجرت، حقوق بین‌الملل عمومی و دریایی تبلور یافته است (Ray, 2020). امروزه رژیم حقوقی نجات ابزاری برای ارتقای کارایی، حمایت از مالکیت و تسهیل روابط تجاری محسوب می‌شود (Ray, 2020). برای درک جایگاه «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» در حقوق قراردادها، باید به دیدگاه حقوق کیفری درباره «وظیفه عمومی نجات» توجه کرد. بررسی حقوق جزا از این جهت اهمیت دارد که درک ما را از آنچه جامعه به عنوان «خطای عمومی» می‌شناسد، افزایش می‌دهد (Smits, 2000). از نظر اخلاقی، «تعهد به نجات» قابل توجیه است، اما از نظر حقوقی موضوعی

نجات دیگری نیست، اما در عین حال استثنای گسترده‌ای در حقوق عرفی برای این قاعده قائل شده‌اند (Kelley, 1999). در برخی ایالت‌ها، مانند قوانین ورمانت (Vermont Statute) و مینه‌سوتا (Minnesota Statute)، به موجب قوانین خاص، نجات یا اطلاع‌رسانی در موقعیت‌های خطرناک را الزامی کرده‌اند، به‌ویژه در جرایم شدید مانند قتل یا تجاوز (Kelley, 1999).

بنابراین، قاعده کلی در کامن‌لا این است که هیچ شخصی (الف) ملزم به نجات دیگری (ب) نیست، حتی اگر خودداری از اقدام، منجر به مرگ ب‌شود. اما استثنای گسترده، دامنه این قاعده را محدود کرده‌اند (Eisenberg, 2002). یکی از مهم‌ترین استثنای وجود «رابطه ویژه» میان طرفین است؛ رابطه‌ای که در بند A ماده ۳۱۴ بیانیه مسئولیت مدنی آمریکا میان حامل عمومی با مسافران، صاحب مهمان‌خانه با مهمانان، صاحب کسب‌وکار یا مالک زمینی که محل خود را برای عموم باز گذاشته با افرادی که به طور قانونی در محل حضور دارند، کارفرما با کارمندانش، مدرسه با دانش‌آموزانش، موجر با مستأجرانش، و سرپرست با کسانی که تحت سرپرستی‌اش هستند، برقرار می‌شود (Ray, 2020).

#### مبانی

این تکلیف بر اصول کلی و بنیادین زیر تکیه دارد که در حقوق آمریکا، به‌عنوان مبنای تکلیف اشخاص به پیشگیری از ورود زیان به دیگری شناخته می‌شوند.

الف) نظریه حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی لاک: نخستین مبنا را می‌توان در نظریه حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی جان لاک یافت. این نظریه، که بر حقوق انگلیسی - آمریکایی تأثیر ژرفی نهاده، بر مسئولیت متقابل اعضای جامعه در حمایت از یکدیگر تأکید دارد (Heyman, 1994). مطابق این دیدگاه، شهروندان وظیفه دارند از بروز خشونت یا آسیب جلوگیری کنند و قصور در این زمینه نقض تعهد نسبت به جامعه و قربانی است (Heyman, 1994). لاک آزادی طبیعی را مقید به قانون طبیعت می‌داند که عقل آن را تجلی می‌بخشد و افراد را از تعرض به زندگی، آزادی یا دارایی دیگران منع می‌کند (Heyman, 1994; Locke, 1954). لاک

تحت سرپرستی‌اش هستند، برقرار می‌شود (Ray, 2020). در حقوق قراردادهای نیز «رابطه قراردادی» نوعی «رابطه ویژه» است. آیزنبرگ استدلال می‌کند که طرفین قرارداد واجد چنین رابطه‌ای هستند (Eisenberg, 2002). بنابراین، «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادهای» با استثنای یادشده در قانون مسئولیت مدنی هماهنگ است (Ray, 2020).

بنابراین در حقوق قراردادهای آمریکا، «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» وجود دارد؛ تکلیفی که قانون آن را بر دوش یکی از طرفین قرارداد می‌گذارد تا اقدامی کم‌هزینه، کم‌خطر و در عین حال معقول، برای جلوگیری از زبانی جدی به طرف دیگر انجام دهد (Eisenberg, 2002). گرچه این تکلیف به صراحت در قوانین آمریکا ذکر نشده، اما در اصول حقوق قراردادهای مصادیق متعددی دارد؛ از جمله سکوت به عنوان قبول (Silence as

تحت سرپرستی‌اش هستند، برقرار می‌شود (Ray, 2020). در حقوق قراردادهای نیز «رابطه قراردادی» نوعی «رابطه ویژه» است. آیزنبرگ استدلال می‌کند که طرفین قرارداد واجد چنین رابطه‌ای هستند (Eisenberg, 2002). بنابراین، «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادهای» با استثنای یادشده در قانون مسئولیت مدنی هماهنگ است (Ray, 2020).

بنابراین در حقوق قراردادهای آمریکا، «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» وجود دارد؛ تکلیفی که قانون آن را بر دوش یکی از طرفین قرارداد می‌گذارد تا اقدامی کم‌هزینه، کم‌خطر و در عین حال معقول، برای جلوگیری از زبانی جدی به طرف دیگر انجام دهد (Eisenberg, 2002). گرچه این تکلیف به صراحت در قوانین آمریکا ذکر نشده، اما در اصول حقوق قراردادهای مصادیق متعددی دارد؛ از جمله سکوت به عنوان قبول (Silence as

پرونده شرکت کشتیرانی ماریوپان علیه بووترز و پرونده گرنه علیه مالکین کشتی مصری، قاعده تقلیل خسارت، مسئله مربوط به رابطه سببیت دانسته شده است.

د) کارآمدی اقتصادی: این تکلیف با هدف ارتقای کارایی و تسهیل روابط تجاری توجیه می‌شود (Ray, 2020). بی‌توجهی به این تکلیف منجر به اتلاف منابع یا تولید بی‌فایده می‌شود. بنابراین، حتی در مواردی مانند تخلف کارفرما، از کارمند انتظار می‌رود برای کاهش خسارت اقدام کند (Eisenberg, 2018).

ط) مبنای حقوقی: بند ۳۱۴A دوم بیانیه‌ی دوم قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد که در «روابط خاص»، اشخاص موظف به حمایت از دیگری در معرض خطر هستند. رابطه قراردادی نیز می‌تواند از همین جنس باشد و تعهد متقابل برای پیشگیری از زیان ایجاد کند (Eisenberg, 2002). رویه قضایی آمریکا نیز تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها را به رسمیت شناخته است. بنابراین این تکلیف از مبنای قانونی نیز برخوردار است.

#### آثار

اعمال «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» در حقوق قراردادها آثار متعددی دارد. تحلیل این آثار، کمک می‌کند تا نقش عملی این تکلیف در روابط قراردادی روشن گردد که در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

الف. عدم امکان مطالبه خسارت: مهم‌ترین اثر این تکلیف آن است که اگر یکی از طرفین در انجام وظیفه خود برای پیشگیری از زیان کوتاهی کند، حق مطالبه خساراتی را که به‌طور منطقی قابل اجتناب بوده‌اند از دست می‌دهد. آیزنبرگ تأکید می‌کند: «کوتاهی در کاهش خسارت‌ها، میزان خسارتی را که می‌توان دریافت کرد، کاهش می‌دهد» (Eisenberg, 2002). مطابق بخش ۳۵۰(۱) بیانیه دوم قراردادهای آمریکا، «خسارت‌ها برای ضرری که طرف آسیب‌دیده می‌توانست بدون ریسک، بار یا تحقیر بی‌مورد، از آن اجتناب کند،

معتقد است که یک فرد وظیفه طبیعی دارد تا نه تنها زندگی خود، بلکه زندگی دیگران را نیز حفظ کند. زندگی یا اموالی که به حفظ زندگی، آزادی، سلامتی، اعضای بدن یا دارایی‌های دیگری مربوط می‌شود (Heyman, 1994)، وظیفه‌ای که بعدها به‌صورت تعهد عام بر نجات دیگران در مسئولیت مدنی و کیفری توسعه یافته است (Heyman, 1994).

ب) مبنای اخلاقی: از منظر اخلاقی، قصور در انجام نجات آسان، قابل نکوهش است (Weinrib, 1980). این وظیفه بازتابی از رابطه میان حقوق و اخلاق و نشانه‌ای از گرایش خیرخواهانه در کامن‌لا، به‌ویژه در حقوق قراردادهاست (Weinrib, 1980). بنابراین اخلاق یکی از پایه‌های ضمنی، ولی بنیادین تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل محسوب می‌شود.

ج) اصل انصاف: انصاف نیز توجیه اصلی این تکلیف است (Eisenberg, 2002). برخی مصادیق این تعهد، مانند «اطلاع‌رسانی در پذیرش دیر هنگام پیشنهاد» یا «کاهش خسارت»، مستقیماً بر پایه انصاف شکل گرفته‌اند (Eisenberg, 2002, 2018).

چ) اصل حسن نیت: بر اساس بخش ۲۰۵ بیانیه دوم قراردادها، هر قرارداد مستلزم حسن نیت و رفتار منصفانه است. هنگامی که یک طرف از احتمال تخلف سهوی دیگری آگاه است، باید او را مطلع کند. آیزنبرگ به‌صراحت بیان می‌کند که بسیاری از قواعد مرتبط با پیشگیری از زیان، بر این اصل مبتنی هستند (Eisenberg, 2018). این اصل محیطی مشارکتی ایجاد می‌کند که در آن، طرفین موظف‌اند اقدامات معقولی برای جلوگیری از زیان قابل پیشگیری انجام دهند.

ه) سببیت (Causation): از دیدگاه سببیت، اگر متعهدله از اقدام کم‌هزینه برای جلوگیری از زیان خودداری کند، کوتاهی او علت نزدیک (Proximate Cause) خسارت تلقی می‌شود نه نقض قرارداد (Eisenberg, 2018). در آراء متعددی، از جمله در

در تفسیر *h* بخش ۳۵۰(۱) بیانیه دوم قراردادهای آمریکا نیز تصریح شده است که «هزینه‌های ناشی از تلاش معقول اما ناموفق برای جلوگیری از خسارت، قابل جبران است». نمونه‌ی بارز این امر، دعوی شرکت وست هیون ساوند دولوپمنت گورپ علیه شهر وست هیون است که در آن، زیان‌دیده توانست هزینه‌های ۲۰۰ هزار دلاری ناشی از تلاش‌های ناموفق خود برای کاهش زیان را بازباید (Eisenberg, 2018).

همچنین در پرونده آقای ادی علیه گینزبرگ، دادگاه تأکید کرد: «مخارج ضروری و معقولی که برای جلوگیری یا کاهش آثار زیان‌بار رفتار نادرست صرف می‌شود، حتی در صورت ناکامی در کاهش خسارت، قابل مطالبه است». و در پرونده اتومیتد دونات چنین رویکردی با هدف تشویق زیان‌دیدگان به تلاش‌های معقول برای پیشگیری از خسارت، حتی در صورت شکست آنها، اتخاذ شده است.

در بند ۲ ماده ۷.۴.۸ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UPICC) نیز این قاعده تصریح شده که: «طرف متضرر حق دارد هزینه‌های معقول متحمل شده برای کاهش زیان را بازبایی کند». ج. پایبندی به قرارداد: در مواردی که پیشنهاد بدون تعیین مدت اعتبار ارائه می‌شود، باید در بازه‌ای معقول پذیرفته شود. اگر طرف مقابل پس از پایان این بازه، اما با باور منطقی به اعتبار پیشنهاد، آن را بپذیرد، ارائه‌دهنده پیشنهاد موظف است بر اساس اصل انصاف او را از دیر هنگام بودن پذیرش مطلع کند؛ در غیر این صورت، در برابر قرارداد مسئول خواهد بود (Eisenberg, 2018). چنان‌که در پرونده فیلیپ علیه مور آمده است، «حسن نیت ایجاب می‌کند که اگر پیشنهاددهنده قصد انصراف دارد، باید فوراً اعلام کند، در غیر این صورت چنین تلقی می‌شود که از هرگونه اعتراضی صرف‌نظر کرده است».

نمونه‌ی دیگر در پرونده دی علیه کاتن است که در آن، دادگاه سکوت و استفاده‌ی بدون اعتراض از خدمات دیگری را به‌منزله‌ی

قابل جبران نیستند». مثال ششم همین بخش نشان می‌دهد که در صورت بی‌توجهی متعهدله به پیدا کردن جایگزین مناسب پس از نقض قرارداد، خسارت ناشی از زیان بعدی به او تعلق نمی‌گیرد. این اثر حقوقی که عمدتاً از طریق اصل تثبیت‌شده‌ی «کاهش خسارت» (Mitigation of Loss) در حقوق قراردادهای مشاهده می‌شود (Eisenberg, 2002)، صرفاً میزان خسارت قابل مطالبه را محدود می‌کند و مجازاتی مستقل برای متعهدله ایجاد نمی‌نماید. به تعبیر فرید، «اگر قربانی نقض در انجام تکلیف خود کوتاهی کند، تنها مجازاتش از دست دادن نسبی حقوق جبرانی خویش است» (Fried, 1981). همین رویکرد در اسناد بین‌المللی نیز پذیرفته شده است؛ ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالاها (CISG) و بند ۱ ماده ۷.۴.۸ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UPICC) خسارات را فقط در حدی قابل جبران می‌دانند که زیان‌دیده اقدامات معقولی برای کاهش زیان انجام داده باشد (Saidov, 2021).

بنابراین مهم‌ترین اثر عملی «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» این است که خسارات قابل اجتناب، در صورت بی‌توجهی زیان‌دیده، غیرقابل مطالبه خواهد بود.

ب. امکان جبران هزینه‌های زیان‌دیده در راستای پیشگیری از خسارت: در جریان اجرای «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل»، طرف زیان‌دیده ممکن است متحمل هزینه‌هایی در راستای یافتن معامله‌ی جایگزین، رفع عیوب کالا یا بازگرداندن آن شود. این هزینه‌ها، چنانچه ناشی از تلاش‌های معقول و فعالانه برای کاهش زیان باشند، به‌طور کامل قابل مطالبه‌اند (Goetz & Scott, 1983). به بیان آیزنبرگ، اگر متعهدله در اجرای وظیفه‌ی خود برای پیشگیری از زیان طرف مقابل، هزینه‌ای بپردازد، حتی در صورت ناموفق بودن این تلاش‌ها، حق دارد آن را از متعهد بازباید، زیرا عدالت اقتضا می‌کند که هزینه‌ی انجام تکلیف قانونی جبران شود (Eisenberg, 2018).

برای اطلاع‌رسانی اقدام کند یا پیشنهاددهنده در مدت معقول از انجام عمل آگاه شود.»

بنابراین، خودداری از اطلاع‌رسانی به‌موقع در خصوص پذیرش عمل، سبب می‌شود پیشنهاددهنده مکلف به انجام تعهدات خود نباشد؛ زیرا بدون اطلاع از انعقاد قرارداد، فرصت واکنش نداشته است.

ه. اجرای جایگزین: پس از نقض قرارداد، از طرف غیر ناقض انتظار می‌رود با اقداماتی معقول، کالا یا خدمات جایگزین تهیه کند تا از زیان بیشتر جلوگیری شود؛ این اقدام را «اجرای جایگزین» (*The Cover Principle*) می‌نامند.

طبق تفسیر e بخش ۳۵۸ بیانیه دوم حقوق قراردادهای آمریکا، اگر نقض قرارداد ناشی از قصور در ارائه یا دریافت خدمات باشد، طرف زیان‌دیده باید با تهیه خدمات یا کالای مشابه، یا ارائه به دیگران، ضرر خود را کاهش دهد؛ در غیر این صورت، خسارات قابل اجتناب، در محاسبه خسارت کسر می‌شود.

در قانون تجارت متحدالشکل آمریکا (*UCC*)، بند ۷۱۲-۲(۱) به خریدار اجازه می‌دهد پس از نقض قرارداد، «با حسن نیت و بدون تأخیر غیرمنطقی» کالای جایگزین بخرد؛ و طبق بند ۷۱۲-۲(۲)، او می‌تواند تفاوت میان هزینه‌ی تأمین کالا و قیمت قرارداد را از فروشنده مطالبه کند.

در رویه قضایی آمریکا، از جمله در پرونده تورستن‌سون علیه شرکت موبریج آبرون ورکس، تأکید شده است که کالای جایگزین باید «جایگزینی معقول و مشابه» باشد. به گفته‌ی آیزنبرگ، هزینه اجرای جایگزین زمانی باید پرداخت شود که خرید با حسن نیت و پس از جست‌وجوی معقول انجام شده باشد (*Eisenberg, 2018*). در همین راستا، در پرونده چتکوویچ علیه شرکت بوج، دادگاه اعلام کرد که خریدار می‌تواند کالای جایگزین را حتی با ویژگی‌های بهتر یا قیمت بالاتر بخرد، مگر آنکه فروشنده ثابت کند خریدار از آن سود غیرمنطقی برده است.

پذیرش ضمنی قرارداد برای پرداخت هزینه خدمات دانست. در این پرونده دی، دیواری در مرز ملک خود با کاتن ساخت و ادعا کرد که توافق شده نیمی از هزینه را بپردازد. دادگاه حکم داد که استفاده‌ی کاتن از دیوار و سکوت او، قبول ضمنی پیشنهاد محسوب می‌شود.

قاعده‌ی کلی این است که اگر اطلاع‌دادن رد پیشنهاد برای فرد آسان و ممکن باشد، ولی او از این کار خودداری کند، مسئول ارزش خدمات ارائه‌شده خواهد بود (*Eisenberg, 2018*). به گفته‌ی فarnsworth، هنگامی که فرد فرصت معقولی برای رد خدمات دارد، نه تنها باید از استفاده از آن خودداری کند، بلکه باید اعتراض خود را نیز اعلام نماید (*Farnsworth, 2004; Murray, 2011*).

بنابراین، یکی از آثار عملی «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل»، این است که کوتاهی در اطلاع‌رسانی یا اعتراض، می‌تواند موجب شکل‌گیری یا استمرار تعهد قراردادی شود.

ج. عدم پایبندی به قرارداد: در مواردی که پیشنهاد از طریق انجام عمل پذیرفته می‌شود، قرارداد با انجام آن عمل کامل می‌گردد. با این حال، اگر انجام عمل در مکانی دور صورت گیرد و اطلاع آن به‌طور طبیعی به پیشنهاددهنده نرسد، ممکن است او بدون آگاهی از انعقاد قرارداد، برنامه‌های خود را بر مبنای نبود تعهد تنظیم کند (*Eisenberg, 2018*). در چنین شرایطی، از باب انصاف، پذیرنده باید پیشنهاددهنده را از انجام عمل و وقوع قرارداد مطلع سازد تا از زیان احتمالی او جلوگیری شود. در غیر این صورت، هرچند قرارداد از نظر شکلی تشکیل شده است، تعهد ارائه‌دهنده به اجرای قرارداد منحل می‌شود (*Eisenberg, 2018*).

مطابق بخش ۵۴ بیانیه دوم حقوق قراردادهای آمریکا: «اگر پذیرنده‌ای که از طریق انجام عمل می‌پذیرد، بداند که پیشنهاددهنده با سرعت و اطمینان معقول از پذیرش آگاه نخواهد شد، تعهد پیشنهاددهنده خاتمه می‌یابد، مگر اینکه پذیرنده با دقت معقول

ط. پذیرش اجرای ناقص یا اصلاح‌شده: در برخی موارد، تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل اقتضا می‌کند که زیان‌دیده اجرای ناقص یا اصلاح‌شده را بپذیرد، زمانی که عملکرد ارائه‌شده عمدتاً هدف قرارداد را برآورده می‌سازد و نقص آن جزئی است.

مطابق بخش ۵۰۸-۲(۲) قانون متحدالشکل تجاری آمریکا (UCC)، اگر خریدار کالای معیوب را رد کند، فروشنده در صورتی که به‌طور معقول باور داشته باشد کالا با تخفیف مالی یا بدون آن قابل قبول است، حق دارد در مهلتی اضافی نقص را اصلاح کند.

حق خریدار برای رد کالا محدود به مواردی است که ناهماهنگی به‌طور اساسی ارزش کالا را مخدوش کند (بند ۶۰۸-۲) یا در قرارداد حمل‌ونقل، نقص، موجب خسارت یا تأخیر قابل توجه شود (بند ۵۰۴-۲). همچنین در قراردادهای اقساطی، رد یک قسط تنها زمانی مجاز است که نقص به‌طور جدی ارزش همان قسط را کاهش دهد (بند ۶۱۲-۲).

بنابراین، در حقوق قراردادهای زیان‌دیده در راستای وظیفه پیشگیری از زیان طرف مقابل، ملزم است اجرای ناقص یا اصلاح‌شده را بپذیرد، مشروط بر اینکه این اجرا بخش عمده‌ی هدف قرارداد را تحقق بخشد.

## ۲. امکان‌سنجی آثار تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در

### نظام حقوقی ایران

در قسمت پیشین، تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادهای آمریکا بررسی شد. در این بخش، امکان انطباق این قاعده با فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران ارزیابی می‌شود؛ به بیان دیگر، آیا می‌توان آثار این تکلیف را در فقه امامیه و حقوق ایران شناسایی و تطبیق داد؟

### انطباق از منظر فقه امامیه

قاعده‌ی تکلیف زیان‌دیده به پیشگیری از خسارت، به صورت مستقل در فقه اسلامی تصریح نشده است، اما می‌توان بر پایه برخی

بر اساس بخش ۷۱-۲ (UCC)، خریدار می‌تواند علاوه بر خسارات اصلی، هزینه‌های جانبی، مانند بازرسی، حمل‌ونقل، خرید جایگزین و... و تبعی، یعنی زیان ناشی از نیازهای عمومی یا خاصی که با خرید جایگزین قابل پیشگیری نباشند، را نیز مطالبه کند.

در نتیجه، خریدار نمی‌تواند از فروشنده‌ی ناقص، خساراتی مطالبه کند که می‌توانسته با اجرای جایگزین معقول از وقوع آن جلوگیری کند (Eisenberg, 2018).

د. متوقف کردن اجرای قرارداد: طبق تفسیر b ماده ۳۵۰(۱) بیانیه دوم حقوق قراردادهای آمریکا، هرگاه یکی از طرفین به‌طور معقول از قصد یا ناتوانی طرف دیگر در انجام تعهدات مطلع شود، باید اجرای تعهدات خود را متوقف کند تا از تحمیل هزینه‌های اضافی جلوگیری شود. بر اساس همین بخش، «خساراتی که زیان‌دیده می‌توانسته بدون ریسک یا بار غیرضروری از آن اجتناب کند، قابل جبران نیستند».

در پرونده شهرستان راکینگهم علیه شرکت لوتن بریج، پس از لغو قرارداد ساخت پل توسط کارفرما، شرکت پیمانکار با وجود اطلاع از فسخ، کار را ادامه داد و سپس ادعای خسارت کرد. دادگاه حکم داد که پیمانکار پس از آگاهی از لغو، باید اجرای کار را متوقف می‌کرد و تنها هزینه‌های پیش از اطلاع از فسخ قابل جبران است.

همچنین در پرونده کریگ علیه هیگینز، دادگاه عالی وایومینگ در خصوص «فسخ پیش‌ازموعده» (Anticipatory Breach) تصریح کرد که پس از اعلام صریح یا ضمنی امتناع از اجرای قرارداد، طرف مقابل باید اقدامات لازم را برای کاهش خسارت انجام دهد.

بنابراین، در صورت آگاهی از عدم اجرای تعهدات طرف مقابل، ادامه اجرای قرارداد موجه نیست و زیان‌دیده موظف است برای پیشگیری از خسارت، اجرای قرارداد را متوقف نماید.

«اجرای جایگزین» دانست، زیرا مالک پس از فسخ می‌تواند زمین را به دیگری واگذار کند تا از تلف منافع جلوگیری شود.

ج. اصل حسن نیت: میان اصل حسن نیت و تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در روابط قراردادی، پیوندی مستقیم وجود دارد؛ این اصل نقش اساسی در ایجاد تعهدات متقابل و جلوگیری از زیان دیگری دارد. نمونه بارز آن در پرونده شرکت مارکت استریت علیه فری است که دادگاه اعلام کرد سوءاستفاده آگاهانه از اشتباه شریک قراردادی در مرحله اجرا، نقض حسن نیت محسوب می‌شود.

بر اساس تعریف لنگرودی، حسن نیت وضع فکری کسی است که اقدام به عمل حقوقی از روی اشتباه می‌کند و تصور می‌کند عمل او وفق قانون است و حال اینکه وفق قانون نیست و مقنن در مقابل عواقب زیان‌آور آن عمل حقوقی در حدود معینی او را حمایت می‌کند (Jafari Langroudi, 2008). گرچه این اصل به طور مستقل در فقه اسلامی نیامده است، مانند بسیاری از تعالیم اخلاقی دیگر، در احکام اسلامی و قواعد فقهی نفوذ پیدا کرده است (Ansari, 2012).

در نتیجه، «اصل حسن نیت» به‌عنوان اصلی فراگیر، می‌تواند مبنای فقهی و حقوقی برای بسیاری از آثار تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل باشد و به طور مثال در صورت وجود سوءنیت، «عدم امکان مطالبه خسارت» را به دنبال داشته باشد.

چ. قاعده لاضرر: ضرورت دفع ضرر به میزان مقدور در فقه اسلامی به عنوان یک قاعده عقلانی پذیرفته شده است (Davoodi, 2009) و می‌تواند در روابط قراردادی نیز جاری شود. اگر بتوان ترک اقدام برای پیشگیری از خسارت را مصداق کار نهي شده در قاعده لاضرر تلقی کرد، محروم شدن زیان‌دیده از حق جبران خسارت قابل توجیه خواهد بود (Foroushani & Abdolsaleh, 2016).

فروعات و اصول و قواعد کلی، آثار آن را در حوزه قراردادها پذیرفت.

الف. خیار ما یفسد من یومه: گفته می‌شود که فروشنده پس از انعقاد عقد، دیگر حق تصرف در مبیع ندارد، اما بر پایه قاعده‌ی تلف مبیع قبل از قبض، همچنان مسئول تلف آن است. در این خیار، از آنجا که موضوع معامله اموالی است که به سرعت فاسد می‌شوند، برای جلوگیری از ورود زیان به فروشنده، حق فسخ به او داده شده است تا در صورت تلف مبیع پیش از قبض، از خسارت جلوگیری شود (Ansari, 1994).

این خیار نمونه‌ی روشنی از پیش‌بینی سازوکار فسخ به‌منظور پیشگیری از زیان است. در اینجا «عدم پابندی به قرارداد» با هدف جلوگیری از خسارت مشروعیت می‌یابد و در نتیجه، بار جبران خسارت از دوش فروشنده برداشته می‌شود. به‌طور غیرمستقیم، مفهوم «اجرای جایگزین» نیز دیده می‌شود، زیرا فروشنده پس از فسخ می‌تواند مال را به دیگری منتقل کرده و از اتلاف آن جلوگیری کند.

ب. ترک زراعت در عقد مزارعه: در مسئله‌ای از کتاب مزارعه آمده است اگر زارع پس از عقد و تحویل زمین، از کشت خودداری کند تا مدت زراعت سپری شود، گفته شده اگر مالک از ترک زراعت آگاه باشد و برای جلوگیری از ضرر عقد را فسخ نکند، زارع ضامن نخواهد بود، زیرا مالک با علم به تفویض منفعت، اقدامی برای دفع ضرر نکرده است (Tabatabai Yazdi, 1998).

در عقد مزارعه، «فسخ عقد» نمود پیشگیری از ضرر است. در صورتی که مالک با علم به ترک زراعت، عقد را فسخ نکند، حق مطالبه خسارت را از دست می‌دهد؛ اما اگر امکان پیشگیری برای او وجود نداشته باشد، مسئولیت بر عهده زارع خواهد بود. این حکم به‌خوبی با آثاری چون «توقف اجرای قرارداد» و «سلب امکان مطالبه خسارت» مطابقت دارد. همچنین می‌توان آن را مشابه

افزایش ضرر، میزان خسارت را کاهش دهد (Katouzian, 2008).

بنابراین، قاعده اقدام مبنایی روشن در فقه و حقوق ایران برای «عدم امکان مطالبه خسارت قابل پیشگیری» فراهم می‌سازد و تأکید می‌کند که ترک اقدامات پیشگیرانه، به منزله رضایت ضمنی به زیان و سلب حق مطالبه جبران آن است.

#### انطباق از منظر حقوق موضوعه ایران

در حقوق ایران، روشن‌ترین مقرر در زمینه تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل، ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی است که به دادگاه اجازه می‌دهد در صورت نقش زیان‌دیده در تسهیل یا افزایش ضرر، میزان خسارت را تخفیف دهد (Darabpour, 2018; Sadat Akhavi & Kashani, 2001). حکم این ماده در حوزه حقوق قراردادهای نیز قابل اعمال است (Darabpour, 2018). کاهش خسارت به عنوان یکی از مصادیق تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل شناخته می‌شود.

به همین منوال، ماده ۱۵ قانون بیمه‌گذار را موظف می‌کند برای جلوگیری از خسارت اقدام متعارف انجام دهد؛ در غیر این صورت، حق مطالبه آن بخش از خسارت را ندارد (Sadat Akhavi & Kashani, 2001). اگرچه ماده فوق به طور خاص به روابط میان بیمه‌گذار و بیمه‌گر مربوط می‌شود، ولی می‌توان حکم مقرر در این ماده را به سایر حوزه‌های مسئولیت، چه قراردادی و چه غیرقراردادی، تسری داد (Mohaghegh Damad & Jafari Khosroabadi, 2010). این ماده مصداق آشکار «عدم امکان مطالبه خسارت» به علت ترک تکلیف پیشگیری از زیان است.

همچنین ماده ۱۱۴ قانون دریایی نیز به عنوان نمونه‌ای از «کاهش خسارت» بر همین مبنا قابل تحلیل است (Sadat Akhavi & Kashani, 2001).

در این چارچوب، همان‌گونه که در حقوق کامن‌لا وظیفه زیان‌دیده برای جلوگیری از اتلاف سرمایه اجتماعی پذیرفته شده است، در فقه اسلامی نیز ضمانت اجرای نهی از اضرار، نفی حق مطالبه خسارت اضافی است (Foroushani & Abdolsaleh, 2016). بر همین اساس، قاعده «کاهش خسارت» که به‌عنوان یکی از جلوه‌های تکلیف پیشگیری از زیان است، را می‌توان با استناد به قاعده «لاضرر و لااضرار» به‌روشنی توجیه کرد (Mohaghegh Damad & Jafari Khosroabadi, 2010).

در نتیجه، قاعده لاضرر هم از «عدم امکان مطالبه خسارت قابل پیشگیری» حمایت می‌کند و هم «جبران هزینه‌های زیان‌دیده در راستای پیشگیری از زیان» را توجیه می‌سازد؛ همچنین می‌تواند مبنای فقهی برای «فسخ»، «توقف اجرای قرارداد» و «اجرای جایگزین» باشد و پیوندی میان فقه امامیه و نظریه‌های نوین حقوق قراردادهای درباره پیشگیری از خسارت برقرار کند.

ه. قاعده اقدام: بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، اگر شخصی در آتشی که توسط فرد دیگری افروخته شده گرفتار شود، اما توانایی رهایی از آن را داشته باشد و با این حال اقدامی برای نجات خود انجام ندهد، مسئولیت متوجه روشن‌کننده آتش نخواهد بود (Mohaghegh Hilli, 1988; Sheikh Tusi, 1996). چنین رفتاری مصداق اجرای قاعده «اقدام» است که ناظر بر مسئولیت خودخواسته‌ی زیان‌دیده در نتیجه ترک اقدام معقول می‌باشد (Mashayekh et al., 2018).

دکتر کاتوزیان نیز در تبیین شرایط ضرر قابل مطالبه، تأکید می‌کند که خسارت نباید ناشی از اقدام و کاهلی زیان‌دیده باشد. این دیدگاه در مواد قانونی نیز منعکس شده است؛ از جمله ماده ۱۵ قانون بیمه که بیمه‌گذار را مکلف به انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از خسارت می‌کند، و بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی که به دادرس اجازه می‌دهد در صورت مشارکت زیان‌دیده در

حمایت از اصل «کاهش خسارت» و جلوگیری از ضرر ناشی از انفعال است.

بر اساس اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی، اعمال حقوق افراد تا جایی مجاز است که موجب ورود زیان غیرمعقول به دیگری نشود. از این رو، اصل منع سوءاستفاده از حق با تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل هم‌راستا است، زیرا هر دو بر منع اضرار بی‌مورد به دیگری تأکید دارند. بدین ترتیب، اگر زیان‌دیده با ترک اقدامات متعارف موجب افزایش خسارت گردد، از حق مطالبه خسارت محروم خواهد شد، اما در مقابل، هزینه اقدامات معقول او برای جلوگیری از زیان قابل جبران است.

در مجموع، قواعد فقهی و مقررات قانونی یادشده همگی بر محور یک هدف مشترک استوارند: پیشگیری از زیان طرف مقابل از طریق سازوکارهایی چون «عدم امکان مطالبه خسارت» و «عدم پایبندی به قرارداد» و «فسخ» است و در ضمن آنها، به طور غیرمستقیم امکان «اجرای جایگزین» نیز قابل استنباط است.

لازم به ذکر است در دکترین حقوقی ایران، برخی حقوقدانان مبنای قاعده «تقلیل خسارت» را که یکی از مصادیق تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل است، «رابطه سببیت» می‌دانند؛ به این معنا که اگر زیان‌دیده با وجود امکان جلوگیری یا کاهش خسارت اقدامی نکند، خود سبب ورود ضرر است و دیگر نمی‌تواند مطالبه خسارت نماید. برخی نیز معتقدند بر اساس قاعده «تقصیر مشترک»، گفته شده وقتی خسارت ناشی از عمل هر دو طرف باشد، مسئولیت میان آنها تقسیم می‌شود (Shahidi, 2003). به طور مثال، اگر تأخیر کارفرما در تحویل محل پروژه که موجب تأخیر پیمانکار شود، بخشی از خسارت ناشی از تقصیر کارفرما محسوب شده و از مسئولیت پیمانکار کاسته می‌شود (Shaarian & Molaie, 2011). امتناع زیان‌دیده از اقدام برای «کاهش خسارت»، نوعی ترک فعل و «تقصیر مشترک» تلقی می‌شود (Sadat Akhavi & Kashani, 2001).

در ماده ۴۰۹ قانون مدنی، «حق فسخ» به عنوان مصداق «توقف اجرای قرارداد» پیش از وقوع زیان است.

بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مدنی، عرف و عادت حاکم بر روابط قراردادی می‌تواند به عنوان بخشی از مفاد ضمنی قرارداد تلقی شود. اگر بپذیریم که در عرف تجاری، به‌ویژه در عرصه تجارت بین‌الملل، طرفین به طور ضمنی متعهد به اقدام برای جلوگیری از زیان ناشی از نقض قرارداد هستند، در این صورت قاعده «کاهش خسارت» به طور طبیعی در حقوق مدنی ایران نیز قابل پذیرش است (Mohaghegh Damad & Jafari Khosroabadi, 2010).

به بیان دیگر، هنگامی که رفتار متعارف و عرف تجاری دلالت بر لزوم اقدام پیشگیرانه در ورود ضرر به طرف مقابل دارد، ماده ۲۲۰ با توسعه دامنه‌ی تعهدات قراردادی به نتایج ناشی از عرف و عادت، پایه حقوقی استواری برای استقرار «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» فراهم می‌سازد. بنابراین، حتی در قراردادهای داخلی نیز، هرگاه چنین عرفی وجود داشته باشد، اجرای قاعده «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» کاملاً موجه و مطابق اصول حقوقی ایران خواهد بود.

در ماده ۲۵۲ قانون مدنی، قانون‌گذار برای جلوگیری از زیان احتمالی طرف اصیل، به او اجازه داده است در صورت تأخیر زیان‌بار در اجازه یا رد معامله، آن را برهم زند (Katouzian, 2015). این حکم، مصداق «عدم پایبندی به قرارداد» و «عدم امکان مطالبه خسارت» بعدی است و با قواعد فقهی لاضرر و اقدام هماهنگی دارد.

همچنین در ماده ۸۳۳ قانون مدنی، در صورتی که تأخیر موصی‌له موجب ورود ضرر به ورثه شود، قانون‌گذار با الزام او به تصمیم‌گیری فوری، از بروز زیان و اتلاف تدریجی ترکه جلوگیری کرده است (Katouzian, 2013). بنابراین، این ماده نیز بیانگر

## مهم‌ترین چالش در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، برخلاف حقوق کامن‌لا، اجرای عین تعهد اصل اساسی است و بر پایه مواد ۲۱۹ و ۲۳۷ قانون مدنی، متعهد باید شخصاً مفاد قرارداد را انجام دهد. تنها در صورت غیرمقدور بودن اجبار ملتزم به انجام تعهد، متعهدله می‌تواند اجرای تعهد را به هزینه متعهد انجام دهد (مواد ۲۳۸ و ۲۲۲ ق.م) و در صورت غیرممکن بودن این مورد نیز، متعهدله می‌تواند قرارداد را فسخ نماید (Sheikh Ansari et al., 2022). در حالی که در نظام کامن‌لا، تعهد قراردادی ذاتاً شامل دو گزینه است: انجام عین تعهد یا پرداخت خسارت معادل آن، و در صورت نقض قرارداد، متعهد موظف به جبران خسارت است. برای مثال، اگر خریدار از تحویل گرفتن مبیع امتناع کند، فروشنده باید کالا را مجدداً بفروشد و تفاوت قیمت را از خریدار بگیرد. اما اگر در این کار تأخیر ورزد و ارزش کالا کاهش یابد، تنها تا حدی که زیان قابل پیشگیری نبوده قابل مطالبه است. در نظام حقوقی ایران چنین انتظاری از فروشنده، غیرمعمول است؛ زیرا با اصل لزوم قراردادها و الزام به اجرای عین تعهد منافات دارد (Sadat Akhavi & Kashani, 2001).

طبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی، هیچ‌یک از طرفین حق برهم زدن یک‌جانبه قرارداد را ندارند، مگر به موجب قانون یا شرط ضمن عقد. بنابراین، اگر یکی از طرفین پیش از موعد از اجرای قرارداد انصراف دهد، طرف مقابل مکلف به پذیرش آن نیست و می‌تواند تا زمان اجرای تعهد منتظر بماند. تنها در صورت اقاله، قرارداد منحل می‌شود و بازگشت عوضین صورت می‌گیرد (Kazemi, 2005).

صرف‌نظر از اینکه این اقدامات باید پس از مراجعه به دادگاه صورت گیرد، چنین الزاماتی در عمل فلسفه تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل را که بر اقدام فوری و عقلایی استوار است، تضعیف می‌کند. در نتیجه، کاربرد واقعی این قاعده در نقض

قراردادها تنها زمانی ممکن است که اجبار به اجرای عین تعهد کنار گذاشته شود و متعهدله بتواند آزادانه برای کاهش خسارت یا اجرای جایگزین اقدام نماید. به‌خصوص در عرصه تجارت و قراردادهای بین‌المللی، چنین انعطافی ضروری است. برای مثال، کارخانه‌ای که با نقض قرارداد تأمین مواجه می‌شود، باید بتواند فوراً مواد اولیه را از منبع دیگری تهیه کند تا از توقف تولید جلوگیری نماید. این اقدام نه تنها مجاز، بلکه یک الزام اقتصادی است، زیرا مانع از اتلاف منابع و خسارات سنگین اقتصادی می‌شود و از طرف دیگر، تحمیل خسارات سنگین ناشی از توقف فعالیت اقتصادی بر دوش متعهدی که نتوانسته یا به هر دلیل عین تعهد را اجرا نکرده، غیرمتعارف است (Sadat Akhavi & Kashani, 2001).

### نتیجه‌گیری

بررسی‌های تطبیقی نشان داد که ریشه‌ی «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» را می‌توان در «قانون سامری نیکو» در حقوق اروپایی جستجو کرد؛ اصلی که ابتدا در حقوق کیفری و مسئولیت مدنی به‌عنوان «تعهد به نجات» مطرح شده و سپس به قلمرو حقوق قراردادها تسری یافته است. در حالی که در حقوق آمریکا اصل بر «عدم تعهد به نجات» است، در عمل استثنای گسترده‌ای این اصل را محدود کرده‌اند و به‌ویژه در حقوق قراردادها، «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل» پذیرفته شده است. مبانی نظری این تکلیف را می‌توان در فلسفه‌ی «قرارداد اجتماعی لاک»، «اخلاق» و اصول «انصاف» و «حسن نیت»، نظریه‌ی «رابطه‌ی سببیت» و دیدگاه «کارایی اقتصادی» جستجو کرد؛ به‌گونه‌ای که هدف نهایی از اجرای قرارداد نه صرفاً جبران خسارت، بلکه پیشگیری از خسارت و ارتقای کارایی اقتصادی نظام حقوقی است.

از حیث آثار عملی، این تکلیف در قالب‌های متنوعی دیده می‌شود؛ از جمله پایبندی به قرارداد یا عدم پایبندی به قرارداد، توقف اجرای قرارداد در صورت نقض احتمالی، پذیرش اجرای ناقص یا

و ۲۳۹ قانون مدنی است. چنین رویکردی، برخلاف نظام کامن‌لا که متعهد میان اجرای عین تعهد یا پرداخت معادل آن مختار است، مانع اقدام فوری متعهدله برای پیشگیری از زیان می‌شود و با نیازهای روابط تجاری مدرن ناسازگار است. لزوم مراجعه به دادگاه و الزام به اجرای عین تعهد، کارایی تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل را عملاً از بین می‌برد.

بنابراین، توسعه‌ی واقعی این قاعده در حقوق ایران مستلزم تجدیدنظر در اصل اجبار به اجرای عین تعهد و پذیرش انعطاف در شیوه‌های جبران خسارت است. اصلاح این رویکرد نه تنها با مبانی فقهی چون لاضرر و اقدام و اصولی نظیر حسن نیت و انصاف هماهنگ است، بلکه موجب ارتقای کارآمدی اقتصادی و اعتماد متقابل در روابط قراردادی می‌گردد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با بازنگری در مقررات مربوط به اجرای تعهد و پیش‌بینی صریح آثار «تکلیف پیشگیری از زیان طرف مقابل در حقوق قراردادها»، زمینه‌ی استقرار و گسترش این قاعده را در حقوق ایران فراهم آورد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

Contemporary contract law has increasingly moved beyond a purely compensatory model of liability and has developed a preventive orientation under which parties may be expected to avoid or reduce losses that can reasonably be prevented. The duty to prevent loss to the counterparty in contract law represents one of the most important manifestations of this transformation, because it links contractual liability to equity, good faith, causation, and economic efficiency. Under this idea, where one party to a

اصلاح شده در موارد موجه که بیانگر تکلیف انعطاف متعهدله برای پیشگیری از زیان‌های بیشتر است. بر اساس این قاعده، زیان‌دیده در صورتی که بتواند با اقدامات معقول از ورود خسارت جلوگیری کند ولی از انجام آن خودداری نماید، حق مطالبه‌ی آن بخش از زیان را نخواهد داشت؛ در مقابل، هزینه‌های متحمل‌شده برای پیشگیری از زیان قابل جبران است. اجرای جایگزین نیز یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تکلیف است؛ به نحوی که طرف غیر ناقض باید با اقدام معقول در بازار، کالا یا خدمات جایگزین تهیه کند تا از ورود خسارت به طرف مقابل پیشگیری نماید.

در فقه امامیه، اصول و فروعاتی چون «لاضرر»، «اقدام»، «حسن نیت»، «خیار ما یفسد من یومه» و «ترک زراعت در عقد مزارعه» پشتوانه‌ی پذیرش این تکلیف به‌شمار می‌آیند. در حقوق موضوعه‌ی ایران، ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی به‌عنوان مهم‌ترین مصداق قانونی این تکلیف، با محدود کردن امکان مطالبه‌ی خسارات قابل پیشگیری، پلی میان فقه امامیه و نظریات نوین حقوق قراردادها برقرار کرده است. همچنین مقرراتی نظیر ماده ۱۵ قانون بیمه، ماده ۱۱۴ قانون دریایی و مواد ۲۲۰، ۲۵۲، ۴۰۹، ۸۳۳ و ۱۳۲ قانون مدنی و اصل ۴۰ قانون اساسی نیز مؤید این تکلیف هستند.

با وجود این، بزرگ‌ترین چالش در نظام حقوقی ایران تأکید بیش از حد بر «اجبار متعهد به اجرای عین تعهد» در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸

contractual relationship is exposed to a serious and foreseeable loss, and the other party can prevent that loss without sacrificing a contractual benefit, assuming substantial risk, or incurring unreasonable cost, the law may recognize a duty to take preventive action. In American law, this duty is rooted in the broader history of the duty to rescue and the Good Samaritan tradition, although the common-law starting point remains the general rule that there is no universal duty to rescue another person (Bohlen, 1908; Dressler, 1995; Hyman, 2005; Keeton, 1984).

Nevertheless, American law has gradually limited this rule through recognized exceptions, especially where a special relationship exists between the parties (Kelley, 1999; Ray, 2020). A contractual relationship may itself be understood as a special relationship, and this provides a doctrinal basis for recognizing a duty to prevent avoidable loss in contract law (Eisenberg, 2002). Thus, although the duty is not always expressly named in statutes, it appears through rules such as mitigation of damages, late acceptance, silence as acceptance, the duty to warn, cooperation, substitute performance, and prevention of avoidable loss (Eisenberg, 2002, 2018).

The theoretical foundations of this duty in American contract law are diverse and mutually reinforcing. One foundation lies in the natural-law and social-contract tradition, especially Locke's view that individuals have duties not only to preserve themselves but also to avoid harming the life, liberty, health, and property of others (Heyman, 1994; Locke, 1954). A second foundation is moral responsibility, because failure to perform an easy rescue or to prevent serious avoidable loss is generally regarded as blameworthy, even if not every moral wrong should automatically become a legally enforceable wrong (Ripstein, 2000; Weinrib, 1980). A third foundation is equity, which supports rules requiring a party to notify the other of late acceptance, imminent breach, or preventable loss where silence would unfairly expose the other party to harm (Eisenberg, 2002, 2018). A fourth foundation is good faith, because contract performance is not limited to literal compliance with express terms but also requires fair dealing, cooperation, and avoidance of opportunistic conduct (Farnsworth, 2004; Murray, 2011). A fifth foundation is causation: when an injured party could have avoided loss through reasonable action but fails to do so, the additional loss

may be attributed not to the original breach alone but also to the injured party's own omission (Eisenberg, 2018). Finally, economic efficiency strongly supports this duty, since legal systems should discourage wasteful conduct, unnecessary continuation of performance after repudiation, and avoidable accumulation of damages (Goetz & Scott, 1983; Saidov, 2021).

The practical effects of the duty to prevent loss to the counterparty are especially visible in the limitation of recoverable damages. The most important effect is that losses that could reasonably have been avoided are not recoverable. This does not mean that the injured party is punished independently; rather, the legal consequence is the proportional reduction of the damages that may be claimed (Eisenberg, 2002; Fried, 1981). This logic is also reflected in international instruments such as the CISG and the UNIDROIT Principles, which require the injured party to take reasonable measures to reduce loss and deny recovery for avoidable damage (Saidov, 2021). At the same time, if the injured party incurs reasonable costs in attempting to prevent or reduce loss, those costs are recoverable, even if the attempt ultimately fails, because the law should encourage reasonable preventive behavior rather than discourage it through the risk of uncompensated expense (Eisenberg, 2018; Goetz & Scott, 1983). The duty also operates in the formation and continuation of contracts: silence may amount to acceptance where a party knowingly benefits from services and fails to object, and late acceptance may become effective if the offeror fails to notify the offeree that the acceptance was too late (Eisenberg, 2018; Farnsworth, 2004; Murray, 2011). Conversely, failure to notify the offeror of acceptance by performance may release the offeror from contractual obligation where the offeror could not reasonably know that the contract had been formed (Eisenberg, 2018).

These examples demonstrate that the duty is not limited to damages after breach but extends to the structure and fairness of contractual relations.

Another major effect of this duty is substitute performance, or cover, which requires the non-breaching party to act reasonably in the market after breach in order to avoid unnecessary loss. In American contract law, a buyer may purchase substitute goods in good faith and without unreasonable delay, then recover the difference between the cover price and the contract price, together with incidental and consequential damages where appropriate (Eisenberg, 2018). Similarly, when a party becomes aware that the other party will not perform, continuing performance may be unreasonable if it only increases avoidable costs. In such cases, the injured party may be expected to stop performance and avoid additional loss. This principle is closely connected to mitigation and to the economic idea that resources should not be wasted merely to increase the damages claim against the breaching party (Bridge, 1989; Farnsworth, 1970). The duty may also require acceptance of defective or modified performance where the defect is minor, the main purpose of the contract is substantially achieved, and rejection would create disproportionate loss. In this sense, the duty to prevent loss is also a duty of contractual flexibility. It discourages formalistic insistence on perfect performance where reasonable adjustment would better serve the contractual relationship and prevent avoidable economic waste. American law therefore treats the duty to prevent loss as a functional tool for balancing contractual security, corrective justice, and efficient allocation of risk (Eisenberg, 2018; Ray, 2020). In Imami jurisprudence and Iranian law, this duty has not been formulated as an independent and systematic rule in the same way as in American contract law, but several jurisprudential principles and statutory

provisions provide strong foundations for its recognition. In Imami jurisprudence, the no-harm principle can justify preventing a party from claiming compensation for loss that could have been avoided through reasonable conduct (Davoodi, 2009; Foroushani & Abdolsaleh, 2016; Mohaghegh Damad & Jafari Khosroabadi, 2010). The rule of assumption of risk or voluntary undertaking also supports the idea that where the injured party knowingly fails to prevent loss, the resulting damage may be attributed to that party's own conduct (Mashayekh et al., 2018; Mohaghegh Hilli, 1988; Sheikh Tusi, 1996). Specific jurisprudential examples, such as the option relating to goods that perish within a day and the rule concerning abandonment of cultivation in sharecropping, also reveal mechanisms designed to prevent avoidable loss (Ansari, 1994; Tabatabai Yazdi, 1998). In Iranian positive law, Article 4 of the Civil Liability Act, Article 15 of the Insurance Act, Article 114 of the Maritime Code, Article 220 of the Civil Code, Article 252 of the Civil Code, Article 409 of the Civil Code, Article 833 of the Civil Code, Article 132 of the Civil Code, and Article 40 of the Constitution all reflect, directly or indirectly, the logic of preventing avoidable harm (Darabpour, 2018; Katouzian, 2008, 2013, 2015; Sadat Akhavi & Kashani, 2001). Iranian doctrine has also linked mitigation to causation and contributory fault, arguing that where the injured party could have reduced loss but failed to do so, full recovery should not be allowed (Shaarian & Molaie, 2011; Shahidi, 2003).

In conclusion, the comparative analysis shows that the duty to prevent loss to the counterparty is a significant mechanism for modernizing contract law, limiting avoidable damages, encouraging reasonable conduct, and improving economic efficiency in contractual relations. In American law, this duty has developed through exceptions to the no-duty-to-rescue rule and through doctrines

such as mitigation, good faith, warning, cooperation, cover, and termination of wasteful performance. In Imami jurisprudence and Iranian law, although the duty has not yet been expressly organized as an independent contractual rule, its foundations can be found in the no-harm principle, assumption of risk, good faith, specific jurisprudential examples, and several statutory provisions. The main challenge in Iranian law is the strong emphasis on specific performance and judicial compulsion to perform, which may delay the injured party's ability to act quickly, obtain substitute performance, and prevent additional loss. Therefore, meaningful development of this duty in Iranian contract law requires a more flexible approach to remedies, a clearer recognition of avoidable loss, and explicit legislative treatment of the legal consequences of failing to prevent loss. Such reform would strengthen contractual justice, reduce waste, align Iranian law with modern commercial needs, and create a more efficient balance between contractual obligation and practical loss prevention.

## References

- Ansari, A. (2012). *Theory of Good Faith in Contracts* (2nd ed.). Jangal.
- Ansari, M. (1994). *Al-Makasib* (Vol. 5). World Congress Commemorating Sheikh Ansari.
- Bohlen, F. H. (1908). The Moral Duty to Aid Others as a Basis of Tort Liability. *University of Pennsylvania Law Review and American Law Register*, 56(4), 217-244.
- Bridge, M. G. (1989). Mitigation of Damages in Contract and the Meaning of Avoidable Loss. *The Law Quarterly Review*.
- Crane, J. (1928). *Cases on Damages*. West Publishing.
- Darabpour, M. (2018). *The Rule of Mitigation of Damages*. Ganj Danesh.
- Davoodi, A. (2009). *General Rules and Maxims in Islamic Jurisprudence* (1st ed.). Dar Ibn Hazm.
- Dressler, J. (1995). *Understanding Criminal Law* (2nd ed.). Matthew Bender.
- Eisenberg, M. A. (2002). The Duty to Rescue in Contract Law. *Fordham Law Review*, 71(3), 647-694.
- Eisenberg, M. A. (2018). *Foundational Principles of Contract Law*. Oxford University Press.
- Farnsworth, E. A. (1970). Legal Remedies for Breach of Contract. *Columbia Law Review*, 70(7), 1145-1216.
- Farnsworth, E. A. (2004). *Contracts* (4th ed.). Aspen Publishers.
- Foroushani, S., & Abdolsaleh, M. (2016). The Injured Party's Duty to Mitigate Damages Resulting from Breach of Contract and Its Effect on the Liability of the Contract-Breaching Party. *Judicial Law Journal*, 93, 137-161.
- Fried, C. (1981). *Contract as Promise: A Theory of Contractual Obligation*. Harvard University Press.
- Garner, B. A. (1996). *Black's Law Dictionary* (Pocket ed.). West Publishing.
- Goetz, C. J., & Scott, R. E. (1983). The Mitigation Principle: Toward a General Theory of Contractual Obligation. *Virginia Law Review*, 69(6), 967-1024.
- Hayden, A. (2000). Imposing Criminal and Civil Penalties for Failing to Help Another: Are Good Samaritan Laws Good Ideas? *New England International and Comparative Law Annual*, 6, 27.
- Heyman, S. J. (1994). Foundations of the Duty to Rescue. *Vanderbilt Law Review*, 47, 673-755.
- Hyman, D. A. (2005). Rescue without Law: An Empirical Perspective on the Duty to Rescue. *Texas Law Review*, 84(3), 653-737.
- Jaeck, F., Cooke, P., Verstrepen, W., Henriksson, T., Schetter, P., Teixeira de Matos, J., Massiello, M., & Beades, M. I. (2018). *The Good Samaritan Law across Europe*. DAN Europe Legal Network.
- Jafari Langroudi, M. J. (2008). *Legal Terminology* (13th ed.). Ganj Danesh.
- Katouzian, N. (2008). *Civil Liability: Extra-Contractual Obligations* (8th ed., Vol. 1). University of Tehran Press.
- Katouzian, N. (2013). *Specific Contracts* (6th ed., Vol. 3). Ganj Danesh.
- Katouzian, N. (2015). *General Rules of Contracts* (4th ed., Vol. 2). Sherkat Sahami Enteshar.
- Kazemi, M. (2005). The Rule of Prevention of Damage. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 68, 131-199.
- Keeton, W. P. (1984). *Prosser and Keeton on the Law of Torts* (5th ed.). West Publishing.
- Kelley, D. N. (1999). A Psychological Approach to Understanding the Legal Basis of the No Duty to Rescue Rule. *Brigham Young University Journal of Public Law*, 14, 271-293.
- Locke, J. (1954). *Questions Concerning the Law of Nature* (R. H. Ansley, Ed.). Cornell University Press.
- Mashayekh, M., Khoeini, G., & Mojtahed Soleimani, A. (2018). Reconsidering the Concept and Jurisprudential-Legal Foundations of the Rule of

- Mitigation of Damages. *Civil Law Knowledge*, 2, 55-70.
- McCormick, C. (1935). *Handbook on the Law of Damages*. West Publishing.
- Mohaghegh Damad, S. M., & Jafari Khosroabadi, N. (2010). Examination of the Rule of Mitigation of Damages Based on Islamic Jurisprudence and Iranian Positive Law. *Jurisprudence and Foundations of Islamic Law*, 2, 103-118.
- Mohaghegh Hilli, J. H. (1988). *Shara'i al-Islam* (Vol. 4). Amir Publishing.
- Murray, J. E. (2011). *Murray on Contracts* (5th ed.). Wolters Kluwer.
- Ray, S. B. (2020). The Law of Rescue. *California Law Review*, 108, 619-677.
- Ripstein, A. (2000). Three Duties to Rescue: Moral, Civil, and Criminal. *Law and Philosophy*, 19(6), 751-779.
- Sadat Akhavi, S. M., & Kashani, M. (2001). The Injured Party's Duty to Mitigate Damages with Emphasis on English and American Law. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 33, 56-68.
- Saidov, D. (2021). *The Law of Damages in International Sales: The CISG and Other International Instruments*. Bloomsbury Publishing.
- Shaarian, E., & Molaei, Y. (2011). A Comparative Study of the Foundations of the Rule of Mitigation of Damages. *Islamic Jurisprudence and Law*, 2, 131-155.
- Shahidi, M. (2003). *Effects of Contracts and Obligations* (1st ed.). Majd.
- Sheikh Ansari, M. J., Jafari, A., & Nazarian, V. (2022). A Critique of the Jurisprudential Basis and Legal Necessity of the Rule of Prevention of Damage. *Jurisprudence and Foundations of Islamic Law*, 1, 165-180.
- Sheikh Tusi, M. H. (1996). *Al-Khilaf* (1st ed., Vol. 5). Islamic Publishing.
- Smits, J. M. (2000). The Good Samaritan in European Private Law: On the Perils of Principles without a Programme and a Programme for the Future. *Electronic Journal of Comparative Law*, 4(3).
- Tabatabai Yazdi, S. M. (1998). *Al-Urwah al-Wuthqa* (Vol. 5). Islamic Publishing Office.
- Weinrib, E. J. (1980). The Case for a Duty to Rescue. *Yale Law Journal*, 90, 247-293.